

موضوع اخراج آفریقای جنوبی از سازمان ملل متحد

آیا آفریقای جنوبی بدنبال تصمیمات اخیر مجمع عمومی ملل متحد در
سیاست نژادگرایی خود تجدید نظر خواهد کرد ؟

بیست و نهمین مجمع عمومی سازمان ملل متحد که روز ۳۰ سپتامبر اعتبارنامه نماینده آفریقای جنوبی را رد کرده بود در تاریخ ۱۲ نوامبر تصمیم شدیدی گرفت و اعلام کرد که هیئت نمایندگی آفریقای جنوبی حق ندارد در مجمع عمومی شرکت نماید یا در بحث مجمع عمومی مشارکت کند و با مبادرت به دادن رای نماید. نسبت به این تصمیم ۹۱ کشور رای موافق و ۲۲ کشور رای مخالف دادند و ۱۹ کشور در رای گیری شرکت نمودند.

قبلا طی ماه اکتبر موضوع اخراج اتحادیه آفریقای جنوبی در مجمع عمومی مطرح گردیده بود و این امر بتصریب ۱۲۵ دولت از ۱۳۸ کشور عضو ملل متحد رسید. ولی از آنجائیکه به موجب ماده ۶ منشور ملل متحد هر گاه دولتی در نقض اصول منشور ملل متحد اصرار ورزد، با تصمیم مجمع عمومی بنا بر توصیه شورای امنیت ممکن است از این سازمان اخراج گردد، در حال میانجستی موضوع در شورای امنیت نیز مطرح میشد و به همین نحو نیز عمل گردید و طرح قطعنامه‌ای در این زمینه از طرف کشورهای کنیا - موریتانیا و کامرون و عراق به شورای تسلیم شد. در طرح قطعنامه یاد آوری شده بود از آنجائیکه دولت اتحادیه آفریقای جنوبی به اجرای سیاست نژادگرایی و بویژه نژاد جدائی (آپارتاید) خود ادامه میدهد و همچنین از تحویل اداره سرزمین نامی بیا (آفریقای جنوب غربی) که باید تحت اداره سازمان ملل متحد قرار گیرد خودداری مینماید و با توجه به اینکه دولت آفریقای جنوبی در جهت مخالف تصمیم شورای امنیت به تندی بر محاصره اقتصادی رودزبای جنوبی اقدام می‌کند، اخراج آن دولت از شورای امنیت درخواست شده است. هر چند اکثریت اعضای شورای امنیت بدین طرح قطعنامه رای موافق دادند (۱۰ رای موافق) ولی سه دولت ایالات متحده امریکا، فرانسه و انگلستان بنسبیت دارا بودن حق رتو با سه رای

منفی خود مانع تصویب طرح قطعنامه نامبرده شدند و به این ترتیب شرایط مذکور در ماده ۶ منشور برای اخراج دولت اتحادیه آفریقای جنوبی یعنی توصیه شورای امنیت و تصمیم مجمع عمومی احراز نگردید و رای اخیر مجمع عمومی مبنی بر اینکه نمایندگی آن دولت حق ندارد در آن مجمع یا در بحث‌های آن شرکت نماید و یا رای بدهد بمثابة اخراج آن کشور نباید تلقی شود و شاید بتوان این اقدام را بدین ترتیب توجیه کرد که چون هر یک از ارکان مجمع عمومی حاکم بر نحوه اجرای آئین رسیدگی خود میباشند عمل بیست و نهمین دوره مجمع عمومی نیز در محدوده همین اصل کلی بوده است. در هر حال رای اخیر تنها ناظر به بیست و نهمین مجمع عمومی بوده و شامل ارکان دیگر ملل متحد نخواهد شد.

این نکته را نیز یادآوری میکند که سه دولت فرانسه، انگلستان و ایالات متحده آمریکا در توضیح رای خود در شورای امنیت متذکر شدند که آنها نیز با سیاست نژاد جدائی (آپارتاید) که در اتحادیه آفریقای جنوبی حکمفرماست، مخالفند و اگر به قطعنامه رای موافق ندادند از این جهت است که اولاً سابقه خطرناکی ایجاد نشود بعلاوه اخراج اتحادیه آفریقای جنوبی نه فقط مشکل را حل نمی‌کند بعکس آن کشور را در مقابل افکار عمومی جهانی آسیب ناپذیر قرار خواهد داد آنهم درست هنگامیکه بنظر میرسد که دولت آفریقای جنوبی در صدد است سیاست نژاد گرائی خود را تعدیل نماید و خط مشی ملایم تری در پیش بگیرد.

البته این نکته را هم نباید نادیده گرفت که کشورهای نامبرده ۴/۳ میلیارد دلار در آن سرزمین سرمایه گذاری کرده‌اند، از طرف دیگر آفریقای جنوبی دارای موقعیت سوق الجیشی بسیار مهمی است که نمیتوان آن را نادیده گرفت و این دو عامل در رای منفی سه دولت غربی نمی‌توانست بی‌اثر باشد،

در اینکه سیاست نژاد جدائی یا آپارتاید بر خلاف اصول منشور ملل متحد است هیچ تردیدی نیست. کشورهای عضو ملل متحد با امضای منشور رسماً تعهد نموده‌اند که حقوق بشر و آزادی‌های اساسی را برای کلیه افراد از هر نژاد - جنس - زبان و مذهب محترم بشمارند همگان نیز این نکته را قبول دارند که باید به تبعیض نژادی بهر صورت که می‌خواهد باشد هر چه زودتر پایان داد.

برای اینکه مبارزه بر علیه تبعیض نژادی بصورت موثر تری انجام پذیرد مجمع عمومی اعلام نمود دهه‌ای که از دهم دسامبر ۱۹۷۳ (بیست و پنجمین سال تصویب اعلامیه حقوق بشر) آغاز میشود دهه مبارزه با نژاد گرائی و تبعیض نژادی اعلام گردد که طی آن تداوم موثر قری در سطح ملی - منطقه‌ای و بین‌المللی در این زمینه اتخاذ گردد و قرار است که در پایان این دهه یعنی در سال ۱۹۷۸ کنفرانسی تشکیل شود تا بتوان به بقایای نژاد گرائی و تبعیض نژادی با اقدامات موثر دیگری خاتمه داد. نکته مهم در این است که در این قطعنامه توسط بهر گونه اقدامی در جهت مبارزه با استعمار یا نژاد گرائی یا تبعیضات نژادی مشروع شناخته شده است، بعلاوه توصیه شده است که کشورها از بذل کمک معنوی و مادی در راه پیشبرد این مبارزه خودداری نکنند و حتی به تشکیل سندی مبادرت گردند تا بتوانند با بذل کمک مالی تحقق بخشیدن این هدف را تسهیل نمایند.

در جای دیگر، مجمع عمومی ادامه سیاست جدائی نژادی را یکنوع جنایت ضد انسانی تلقی کرده و صریحاً اعلام نموده است که ادامه چنین سیاستی توسط اتحادیه افریقای جنوبی با تهداتی که آن کشور بموجب منشور تقبل نموده است منافات دارد و این نکته را متذکر شده است که ادامه این سیاست صلح و امنیت بین المللی را بخطر می اندازد.

در ۳۰ نوامبر ۱۹۷۳ مجمع عمومی قرارداد بین المللی امحاء سیاست نژاد جدائی و اعمال مجازات این جنایت را تدوین و تصویب نمود و در اختیار دول عضو گذاشت که به امضاء و تصویب آنها برسد بموجب این قرارداد برای افراد یا اعضای گروهها و نمایندگان دولت ها که بهر طریق در ارتکاب جنایت نژاد جدائی شرکت می کنند مسئولیت جزائی قائل شده است.

با توجه باین سوابق می توان گفت که رای اکثریت تام مجمع عمومی دائر بر اخراج دولت اتحادیه افریقای جنوبی و همچنین رای اکثریت اعضای شورای امنیت کاملاً قابل توجیه میباشد. نمایندگان سه دولت آمریکا انگلستان و فرانسه هم که با اخراج دولت اتحادیه افریقای جنوبی موافقت نکرده اند، گذشته از اینکه اعلام نمودند که با اساس سیاست نژاد گرائی موافقت ندارند این هشدار را هم دادند که معلوم نیست در آینده نیز آن دولت بتوانند از پشتیبانی دول نامبرده برخوردار شود. این نکته را نیز یاد آور میشود که سه دولت افریقای که طرح قطعنامه نامبرده را به شورای امنیت ارائه دادند از پیش آگاه بودند که در هر حال با اعمال و توی یکی از دولت های غربی عضو دائم شورای امنیت مواجه خواهند شد. مع الوصف میخواستند بدینوسیله از فرصت استفاده کنند تا قدرت های نامبرده نفوذ معنوی خود را در جهت الغای سیاست نژاد جدائی اتحادیه افریقای جنوبی بکار برند.

در هر حال طرح موضوع اخراج دولت اتحادیه افریقای جنوبی در مجمع عمومی و شورای امنیت بی اثر نبوده است. بیاناتی که آقای «ورستر» Vorster نخست وزیر اتحادیه افریقای جنوبی بتاريخ ۲۲ اکتبر در مجلس آن کشور ایراد نمود، همچنین اظهارات آقای بوتانایمده آن دولت موید این امر است.

آقای «ورستر» نیز اخیراً ضمن سخنرانی خود در ترانسوال این نکته را متذکر شده که اگر مخالفین سیاست جدائی نژادها (آپارتاید) به افریقای جنوبی ۶ ماه مهلت دهند آنوقت از موضعی که این کشور اتخاذ خواهد نمود در شگفت خواهند شد. ذکر این نکته پس از ۲۵ سال سیاست نژاد گرائی موجب تعجب حاضرین در مجلس گردید. عده ای از وزرای کابینه نیز در همین جهت صحبت کردند که اینک آقای پیتربوتا وزیر دفاع اتحادیه افریقای جنوبی ضمن بیانات خود به این نکته اشاره کرده که دولت هر گونه موانعی را که در راه اعمال سیاست متصفانه (Fairness) وجود دارد از بین بر خواهد داشت. آقای هیلگارد مولر وزیر خارجه نیز ضمن بیاناتی متذکر شده است: اینکه ما در مقام تعدیل بر آمیم کمال اهمیت را دارد زیرا در غیر این صورت فرصت ازدست ما خواهد رفت. آقای بوتانایمده آن کشور در سازمان ملل متحد متذکر شد که دولت اتحادیه افریقای جنوبی تبعیض نژادی را بر اساس رنگ پوست تأیید نمی کند. هر چند بیانات نخست وزیر افریقای جنوبی و سایر اعضای هیئت دولت آن کشور در پاره ای از محافل افریقای باخوشوقتی تلقی شد، مع الوصف هیچگونه نشانه ای که حاکی از تغییر اساسی در سیاست اتحادیه افریقای جنوبی باشد ضمن بیانات آقای «ورستر» دیده نمی شود و این نکته که

آقای بوتان نماینده آن دولت در شورای امنیت نیز تبعیض نژادی را تأیید ننموده است به این معناست نیست که از سیاست نژاد جدایی اعراف شده است، زیرا دولت اتحادیه افریقای جنوبی معتقد است که سیاست نژاد جدایی (آپارتاید) یعنی اینکه سفیدپوستان و سیاهپوستان جداگانه در سرزمین‌های مختلف بسر برند بمثابه تبعیض نژادی نیست و میگویند اقداماتی که هم‌اکنون انجام میشود با مال منجر به این امر خواهد شد که سیاهپوستان و سفیدپوستان در سرزمین‌های مختلفی تحت حاکمیت دولت‌های متبوع خود به‌طور متساوی و جداگانه بسر برند. در عین حال این نکته را نمیتوان منکر شد تغییراتی که طی سال اخیر در دولت پرتغال رخ داده و منجر به استقلال کینه بیسائو (سرزمین مستملکه سابق پرتغال) گردیده و سرانجام به آزادی سرزمین‌های موزامبیک و آنگولا منجر خواهد شد خواه ناخواه در سیاست دولت اتحادیه افریقای جنوبی اثر خواهد گذاشت و این امر شاید بزودی در مورد سیاست آن دولت در رودزیای جنوبی و سرزمین نامی بیا (افریقای جنوب غربی) تحقق یابد. قطع نظر از سیستم نژاد جدایی در اتحادیه افریقای جنوبی سیاست مشابهی در افریقای جنوب غربی (نامی بیا) که سابقاً تحت قیمومت جامعه ملل بود اعمال میشود، ولی با توجه به اینکه سرزمین «نامی بیا» یا سرزمین آنگولا هم مرز می‌باشد و خواه ناخواه آزادی سرزمین اخیر در نامی بیا نمی‌تواند بی‌اثر باشد امید میرود اتحادیه افریقای جنوبی نرمش بیشتری از خود نشان دهد و اداره این سرزمین را درجه اجرای قطعنامه‌های سازمان ملل متحد به این سازمان واگذار کند. در مورد رودزیای م نظر میرسد که دولت افریقای جنوبی درصدد است از پشتیبانی حکومت اسمیت (نخست وزیر آن سرزمین) صرف نظر کند و حتی پیش‌بینی میشود دولت اتحادیه افریقای جنوبی نفوذ خود را بکاربرد تا حکومت رودزیای جنوبی را وادار نماید در روش سرسختانه خود تجدید نظر نماید و بزودی نیروهای خود را از آن سرزمین خارج کند.

با این ترتیب اتحادیه افریقای جنوبی تنها سرزمین افریقای خواهد بود که در آنجا اقلیت سفیدپوست بر اکثریت سیاهپوست حکومت خواهد کرد و ادامه این وضع برای همیشه امکان‌پذیر نیست بهمین جهت گفته میشود که آقای وسترن نخست وزیر آن کشور س می‌کند سیاست نژادگرایی خود را تعدیل نماید، بویژه آنکه در داخل کشور نیز برای پایان دادن به سیاست نژاد جدایی فشارهای زیادی اعمال میشود. عده‌ای از رهبران سیاهپوست اخیراً پیش‌بینی کرده‌اند که ادامه این سیاست آن کشور را با جنگ داخلی مواجه خواهد کرد. حتی بخش روشنفکر حزب ناسیونالیسم (حزب حاکم سفیدپوستان) رسماً تقاضا دارند که برای نجات کشور از فاجعه عظیمی که در پیش است به اصلاحاتی در جهت آزادی و برابری بیشتر مبادرت گردد و کاملاً به این نکته آگاهند تحولاتی که اخیراً در سرزمین موزامبیک و آنگولا سرزمینهای همجواری افریقای جنوبی روی داده است رؤیای تشکیل جبهه‌ای از کشورهای ادر جنوب افریقای در آن‌ها اقلیت سفیدپوستان حکومت را در دست داشته باشند نقش بر آب کرده است و بافتند که بزودی چریک‌های موزامبیک و آنگولا میتوانند به آسانی سرزمین افریقای جنوبی را مرز ته‌اجم قرار دهند. گذشته از این اقدامات دامنه‌داری که در جهت توجیه سیاست نژاد جدایی در سراسر جهان آنهم با هزینه هنگفت بعمل آمد بجائی نرسید و تحولات اخیر سازمان ملل متحد که بسود آن دولت تمام نشد مؤید این امر است. از اینرو گفته میشود که دولت افریقا

جنوبی میخواد تجدید نظری در سیاست نژادگرایی خود نموده و لاقلاً با اصلاحات ظاهرری مبادرت کند.

بطورمثال اعلاناتی که هم اکنون درمدخل رستورانها، هتلها و پارکها و یا اتوبوسها دیده میشود و حاکی از اینست که مجلهای نامبرده برای سفید پوستان و با سیاهپوستان اختصاص دارد برداشته خواهد شد و همچنین قوانینی که ناظر بر مسافرت سیاهپوستان و با سفید پوستان در اتوبوسها و سایر وسایط نقلیه جداگانه است ملغی میگردد. شاید تبعیض نژادی که در زمینورزش حکمفرماست از بین برود و قوانین تبعیض نژادی در کار ملغی گردد.

مع الوصف اینگونه اقدامات اصلاحی اساس فکر نژاد جدائی را در آفریقای جنوبی از بین نخواهد برد و شواهدی که در دست است نشان نمیدهد که از فکر نژاد جدائی صرف نظر خواهد شد. خود مختاری سیاهپوستان فقط در سرزمینهایی که بنام بانتوستان (Bantustans) خوانده میشود تنها ۱۳ درصد سرزمینهای خارج از شهر آن کشور را فرا میگردد و حال آنکه ۷۳ درصد جمعیت آن کشور سیاهپوست هستند به علاوه سرزمینهایی که برای زندگی سیاهپوستان در نظر گرفته شده به هیچ وجه راهی بدری ندارند و هم اکنون هفت میلیون جمعیت کشور که در سرزمینهای مختص به سفیدپوستان بسر میبرند «مقیم موقت» شناخته شده و از حقوق سیاسی و دستمزد مساوی برای کارمساوی محرومند و سرگشته دو میلیون نفر غیر سفید پوست (Coloured) (نژادهای مختلط مانند هندیها) بهتر از سرگشته سیاهپوستان نیست کما اینکه دو ستر نخست و وزیر این شایعه را که ممکن است نام رأی دهندگان رنگین پوست در صورت رأی دهندگان سفیدپوست ثبت شود تکذیب نموده است.

در هر حال هر گونه اقدامی در جهت تعدیل سیاست نژادگرایی با مخالفت عدهای از ژنرالها و افرایطیهای دست راستی مواجه خواهد شد از سوی دیگر اگر اتحادیه آفریقای جنوبی در حفظ وضع کنونی بافتاری کند و اکثریت سیاهپوست آن کشور را به نحوی در حکومت مداخله ندهد با تصمیمات شدید سازمان ملل متحد از قبیل محاصره اقتصادی روبرو خواهد گردید و شاید سرانجام با تصادم مسلحانه آفریقای سیاهپوست مواجه شود. تنها تشکیل دولت فدرالی که در آن سفید پوستان و سیاهپوستان بتوانند در شرایط متساوی به تناسب جمعیت از منابع کشور بهره ور شده و در حکومت و اداره کشور شرکت نمایند، شاید بتواند این مشکل را حل کند.